

Comparing Social Dimensions of Quality of Life in Development Plans of the Country

M. Navabakhsh *

R. Esmaili **

S. Pesaran Razzagh ***

Received Date: 30 January 2020

Accept Date: 18 May 2020

Abstract

This article aims to present the position of “quality of life social dimensions” in different development plans of the country after the Islamic revolution. The main objective of this article is to compare quality of life social aspects in each development plan. Content analysis method is used in the article taking into account the concept or notion analysis unit existing in the text of development plans. Main findings of the research are:

In the First Development Plan, social and economic security has enjoyed the most consideration and then social empowerment has been prioritized. Other aspects have lower values in the plan. In the second development plan of the country, social and economic security has also been taken seriously into consideration and then social persistence has been prioritized. Social integration dimension has been improved in comparison with the First Development Plan and has continued its development trend in subsequent plans. In the Third Development Plan, social and economic security considered as the first priority while the social integration dimension remained at the subsequent rate. Social solidarity still displays the lowest rate in the Third Development Plan. In the Forth Development Plan, social and economic security is replaced by the social empowerment. Social integration dimension still remains at a considerable position in this

* PhD in urban- industrial sociology, Professor of Islamic Azad University, science and research branch. mehrdad_navabakhsh@yahoo.com

** PhD in sociology, Assistant Professor of Islamic Azad University, Isfahan branch. esmaili40@yahoo.com

*** PhD in Economic Sociology and Development, Islamic Azad University, Dehaghan branch (Corresponding Author). saeedrazzagh@yahoo.com

plan, while for the first time, more attention has been paid to the social solidarity dimension in the development plans. In the Fifth Development Plan, dimensions of social empowerment, social integration, and social continuity enjoy higher considerations respectively. Social and economic security remained at the fourth position while social solidarity dimension demonstrates lower rate in comparison with the Fourth Plan. In the Sixth Development Plan, once again we witness the social and economic security dimension at the top level and preserve social integration dimension status similar to the Fifth Development Plan. While the social solidarity dimension gets closer to dimensions of social empowerment and social continuity, however it still remains at the lower rate of this category.

JEL Classification: D31, I28, J28, O2, Q01

Keywords: Quality of life, Social dimensions, Development plans, Content analysis

مقدمه

مطالعات گذشته، نشان داده‌اند که بین برنامه‌های توسعه کشور، در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، توجه به سازه کیفیت زندگی، از همه برنامه‌ها بیشتر بوده است.

همچنین این مطالعات نشان می‌دهد که در میان ابعاد اجتماعی، بعدی که در هر شش برنامه توسعه از سایر ابعاد، بیشتر از همه مورد توجه قرار گرفته، بعد امنیت اقتصادی-اجتماعی بوده و می‌توان گفت که در هر یک از برنامه‌های شش‌گانه، این زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه بوده که محتوا و جهت‌گیری‌های هر برنامه را تعیین کرده است و همین تفاوت‌ها در زمینه‌های مذکور، محتوای یک برنامه را از برنامه‌های دیگر متمایز می‌سازد. اکنون مفید خواهد بود بدانیم هر یک از برنامه‌های توسعه کشور، با توجه به شرایط و اقتضات زمانه خود، به چه میزان به هر یک از ابعاد اجتماعی سازه کیفیت زندگی توجه داشته‌اند و نسبت این توجهات چیست؟ تا با مقایسه روند آنها، در جهت توجه دقیق‌تر به ابعاد کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی‌های آتی، به برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشور کمک شود.

۱- بیان مسئله

از اواسط دهه ۱۹۶۰، با بروز و ظهور پیامدهای منفی حاصل از رشد از سویی و برجسته شدن دغدغه‌های جدید از سوی دیگر، جایگاه رشد اقتصادی به‌عنوان هدف اصلی توسعه مورد پرسش و تردید قرار گرفت و تلاش‌هایی انجام شد تا رشد اقتصادی و سیاست‌های مربوط به آن، نه به‌عنوان هدف، بلکه به‌عنوان یکی از ابزارهای دستیابی به اهداف توسعه در نظر گرفته شود.

پیامدهای منفی سیاست‌هایی که رشد اقتصادی را عامل مؤثر توسعه می‌دانست، در حوزه اجتماعی، موجب دامن زدن به این بحث شد که اساساً تعدیل نمی‌تواند چهره‌ای انسانی داشته باشد. از این رو، در اوایل دهه ۱۹۹۰، سازمان ملل، گزارش توسعه‌ای را با رویکرد به توسعه انسانی منتشر کرد و از اواسط این دهه، مؤلفه‌های مربوط به توسعه اجتماعی، نظیر سرمایه اجتماعی و همبستگی اجتماعی به ادبیات توسعه راه یافت. به تعبیری، در سلسله‌مراتب اهداف توسعه، تغییراتی اساسی حاصل

شد و با تأکید سازمان ملل، بهزیستی اجتماعی و کیفیت زندگی در رأس اهداف توسعه قرار گرفت.

این تغییر پارادایمی، با تعیین اهداف توسعه هزاره^۱ از سوی سازمان ملل تقویت گردید؛ اهداف هشت‌گانه‌ای که همگی به مسائل اجتماعی نظیر آموزش، فقرزدایی، بهداشت، محیط‌زیست، برابری جنسیتی و مشارکت در توسعه، تأکید داشتند. این گذار، به‌ویژه در دیدگاه نهادهای بین‌المللی، سبب گردید تا در نظریه‌های جدید توسعه ارتقاء مطلوبیت، رضایت خاطر ذی‌نفعان برنامه‌های توسعه‌ای و در نظر گرفتن خواست جمعیت هدف، اهمیت بسیار یابد و به‌تدریج بهبود کیفیت زندگی، به‌عنوان هدف توسعه مطرح شود.

در این راستا، شاخص‌های مربوط به ارزیابی عملکرد برنامه‌ها نیز تغییراتی کیفی یافتند و علاوه بر عناصر فردی و عینی، مؤلفه‌های اجتماعی و ذهنی را نیز شامل شدند؛ یعنی نیازهای رفاهی از مسائلی عینی چون خوراک، پوشاک، بهداشت و مسکن فراتر رفته، ابعاد جدیدی همچون تأمین اجتماعی، ارتقاء جنبه‌های کیفی زندگی، حفظ محیط‌زیست، همبستگی ملی، و فراهم آوردن شرایط لازم جهت مشارکت مردم در سطوح مختلف فرایند توسعه را در بر گرفت.

به طور کلی، هرچند که ارتقاء کیفیت زندگی در مقیاس‌های فردی و اجتماعی از دیرباز مورد توجه برنامه‌ریزان قرار داشته است، اما در دهه‌های اخیر و با اولویت یافتن اهداف اجتماعی توسعه و تدوین آنها در قالب برنامه‌های توسعه، به‌تدریج نگرشی انسانی و جامعه‌شناختی پیرامون کیفیت زندگی، به قلمرو ادبیات توسعه و همچنین برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته راه یافته است. همچنین سیاستگذاران در حوزه‌های مربوط به خدمات اجتماعی، توسعه اقتصادی و مدیریت و برنامه‌ریزی زیست‌محیطی، غالباً بر حفظ و بهبود کیفیت زندگی افراد و جوامع و اینکه چه عواملی بر کیفیت زندگی جوامع تأثیرگذارند، متمرکز شده‌اند. لذا امروزه کیفیت زندگی به‌عنوان عنصری کلیدی در سیاستگذاری و بررسی سیاست‌های حوزه عمومی مورد بحث قرار می‌گیرد و ضروری است تا بین برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها به‌عنوان «ابزار» و ارتقاء کیفیت زندگی به‌عنوان «هدف» تطابق وجود داشته باشد.

1. Millennium Development Goals (MDG)

بر این اساس و از دیدگاه مبتنی بر انتخاب عمومی^۱، کیفیت زندگی به شکل یک کالای عمومی و دستاورد برنامه‌های توسعه‌ای- و لذا به‌عنوان شاخصی کلیدی در ارزیابی برنامه‌های عمومی از سوی سیاستگذاران- اهمیت می‌یابد و مورد توجه جدی قرار می‌گیرد. در این نگرش، کیفیت زندگی به‌عنوان برون‌داد نهایی برنامه‌های توسعه منظور می‌شود که بهبود ابعاد عینی و ذهنی را در بر می‌گیرد.

کنت (Kent, 1997) بر این باور است که کالای عمومی با درآمد حداقلی، امنیت اجتماعی، بهداشت، آموزش و نیز میزان برابری در جامعه و رابطه درون اجتماع مرتبط بوده که همه این‌ها به‌نوبه خود، به کیفیت زندگی شهروندان مربوط می‌شود. توجه به کیفیت زندگی در حوزه برنامه‌ریزی، پیش از هر چیز، نیازمند ارائه تعریفی روشن از این مفهوم و عوامل مؤثر بر آن است. در یک برداشت نهایی، کیفیت زندگی، با تأکید بر ابعاد اجتماعی آن، به طریق زیر قابل تعریف است:

۱-۱- تعریف: «کیفیت زندگی به‌عنوان تعادلی در تأمین و ارضای نیازهای زیست‌شناختی و انسانی و یکپارچه‌سازی مردم در عرصه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی‌شان تعریف می‌شود که با تعیین قواعد تجربی نیازهای بشر مرتبط است» (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۰).

از ادبیات موضوع این سازه، می‌توان فهمید که این مفهوم به‌عنوان صفت فرد و همچنین صفت جامعه به کار می‌رود و لذا کیفیت زندگی هم ساختار اجتماعی و هم موقعیت افراد را در بر گرفته و شامل پنج مؤلفه اصلی امنیت اقتصادی-اجتماعی (ناظر بر کیفیت زندگی فرد-رویکرد عاملیت‌گرا)، همبستگی اجتماعی (ناظر بر کیفیت اجتماعی - رویکرد اجتماعی)، تداوم‌پذیری (برای بیان توسعه پایدار و توزیع بین نسلی - رویکرد اجتماعی)، ادغام اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی می‌شود. این مؤلفه‌ها، مستعد شمول مقیاس‌های فردی و نیز فرافردی هستند که این استعداد، منجر به ایجاد رویکردهای عاملیتی و ساختاری و منطری ترکیبی چون ساختمانندی می‌شود. در مورد این پنج مؤلفه عمده باید گفت که مؤلفه امنیت اقتصادی-اجتماعی به داشتن و برخورداری، مؤلفه همبستگی اجتماعی به کم و کیف رابطه (و درواقع، سهم سازه سرمایه اجتماعی در کیفیت زندگی)، مؤلفه ادغام اجتماعی به ترکیب حوزه حقوق با حوزه امکانات مالی و همبستگی، مؤلفه

توانمندسازی اجتماعی به قابلیت‌ها و فرصت بهره‌گیری از امکانات و بالاخره مؤلفه مداوم‌پذیری به بیان توسعه پایدار و توزیع بین نسلی اشاره دارند. هرچند که مؤلفه‌های مطرح شده، جداگانه و در موارد خاص خود، به صورت مؤلفه غالب مورد بررسی نظری و تجربی قرار گرفته‌اند، اما بررسی و مطالعه فراگیر کیفیت زندگی، مستلزم آن است که این مؤلفه‌ها و شاخص‌های ذیل آنها به طور یکجا و یکپارچه مورد توجه قرار گیرند.

استلزام منطقی مطالب بالا این است که یک جامعه با کیفیت بالا جایی است که در آن، شهروندان باید به سطح قابل قبولی از تأمین اقتصادی و ادغام اجتماعی و زندگی در جماعات منسجم که به آنها امکان تحقق کامل توانایی‌هایشان را می‌دهد، دست یابند. در تعریفی که فیلیپس (۲۰۰۶) نیز ذیل رویکرد کیفیت اجتماعی معرفی می‌کند، کیفیت زندگی عبارت است از دامنه‌ای که شهروندان قادر به مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه‌شان، تحت شرایطی هستند که بهزیستی و توانایی بالقوه آنها بهبود می‌یابد.

اکنون، ضروری است به این مسئله توجه داده شود که درک پدیده کیفیت زندگی در چند دهه گذشته، تنها به واسطه برنامه‌های منظم توسعه امکان‌پذیر است؛ زیرا سایر فعالیت‌های موضعی که فاقد پشتوانه‌های قانونی یا اجماع نظر سیاستگذاران باشند، نمی‌توانند در حد لازم و مطلوب قابل استفاده و اتکا باشند. از این رو، با توجه به تعریف فوق و بنا به اهمیت نقش سازه کیفیت زندگی در جامعه ایران و برنامه‌های توسعه آن، در این مقاله، کوشش می‌شود که با استفاده از مدل ارائه شده و شاخص‌های مربوطه و به روش تحلیل محتوا، علاوه بر نشان دادن شرایط و اقتضات زمینه‌ای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقاطع مختلف، نقش ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی در برنامه‌های توسعه کشور را مشخص نماید تا با شناخت راه طی شده برنامه‌های توسعه در زمینه کیفیت زندگی و ابعاد اجتماعی آن، راه آینده را برای سیاستگذاران توسعه اجتماعی کشور هموار سازد.

۲- مبانی نظری

چنانکه دیده می‌شود، تعریف فوق از کیفیت زندگی هر دو سطح خرد (فردی)-ذهنی) و کلان (اجتماعی-عینی) را در بر گرفته است. شاخص‌هایی نظیر ادراک از

کیفی بودن زندگی، تجارب و ارزش‌های فرد، رفاه، خوشبختی و رضایت از زندگی، شاخص‌های سطح خردند؛ و شاخص‌هایی مانند درآمد، اشتغال، مسکن، آموزش و پرورش و سایر شرایط محیطی زندگی، شاخص‌های سطح کلان را تشکیل می‌دهند. علاوه بر بررسی کیفیت زندگی به صورت ذهنی، این مفهوم برای مشاهده عینی تغییرات در اثر سیاستگذاری‌ها نیز به کار می‌رود. چنانکه مایلز این اصطلاح را نه تنها به‌عنوان برآوردهای ذهنی رضایتمندی و بهزیستی، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از ستانده‌های^۱ اقتصادی و اجتماعی که افراد و گروه‌ها به دست می‌آورند، به کار می‌برد (Miles, 1985).

فیلیپس^۲ نیز کیفیت زندگی را در ابعاد فردی و جمعی مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر وی، لازمه کیفیت زندگی فردی در بعد عینی، تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی جهت برآوردن خواست‌های اجتماعی شهروندان است. او در بعد ذهنی، استقلال عمل در افزایش رفاه ذهنی شامل لذت‌جویی، رضایتمندی، هدف‌داری در زندگی و رشد شخصی، رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی اجتماعی و مشارکت گسترده در فعالیت‌های اجتماعی را ملاک قرار می‌دهد؛ و در بعد جمعی، بر ثبات و پایداری محیط فیزیکی و اجتماعی، منابع اجتماعی درون گروه‌ها شامل انسجام مدنی، یکپارچگی، روابط شبکه‌ای گسترده و پیوندهای موقت در سطوح جامعه، هنجارها، اعتماد، نوع‌دوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری طلبی پای می‌فشارد (Philips, ۲۰۰۶:۲۴۲).

۲-۱- انواع رویکردها به کیفیت زندگی

اندیشمندان بحث کیفیت زندگی برای توصیف و همچنین تبیین آن، دو رویکرد عاملیتی و ساختاری داشته‌اند.

۱-۲-۱- رویکرد عاملیتی

رویکرد عاملیتی، مبتنی بر فردگرایی روش‌شناختی است و جامعه را نه به‌عنوان یک کلیت، بلکه به‌عنوان جمع جبری افراد جامعه، مورد توجه قرار می‌دهد. این نوع تبیین هرچند می‌پذیرد که عوامل فرافردی برای تبیین مفید هستند، اما این عوامل

1. Out puts
2. David Philips

را همچنان به زمینه‌های فردی فرو می‌کاهد (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۴: ۳۱) و بر نقش کنشگری فرد در شکل‌دهی به فرایندها تأکید دارد. این رویکرد در بحث از کیفیت زندگی برای عاملیت انسانی، نقش محوری لحاظ کرده و معتقد است، کیفیت زندگی بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد است تا شرایط ساختاری اجتماعی یا محیط پیرامونی.

از رویکردهای گوناگون عاملیتی در مواجهه با کیفیت زندگی، می‌توان چنین نام برد: رویکرد مطلوبیت‌گرایی^۱، رویکرد ارزش‌های عام^۲، رویکرد نیازهای اساسی، رویکرد توسعه انسانی^۳، نظریه نیازهای انسانی و رویکرد قابلیت^۴.

۲-۱-۲- رویکرد ساختاری و کیفیت زندگی

این رویکرد نسبت به رویکرد عاملیتی، از دو ویژگی متمایز برخوردار است. اول اینکه، مفهومی کامل و فراگیر از کیفیت زندگی ارائه می‌دهد که تمامی حوزه‌هایی که در بهبود کیفیت زندگی مؤثرند را دربر می‌گیرد؛ دوم آنکه، جامعه را به‌عنوان یک کلیت می‌بیند. در این رویکرد، برای کیفیت زندگی، عناصر سازنده^۵ و عوامل ایجادکننده^۶ تعیین می‌شود. این عناصر به‌صورت عام، عبارتند از: خودمختاری، شناخت، وابستگی متقابل و برابری که عواملی مانند امنیت، شهروندی و دموکراسی را برای محقق شدن نیاز دارند.

در میان رویکردهای ساختاری به کیفیت زندگی، برخی بر شرایط زندگی^۷ و کیفیت زندگی تمرکز دارند که شامل شرایط عینی و ذهنی متکی بر منابع و فرصت‌ها می‌شود. برخی نیز بر نسبیت فرهنگی کیفیت زندگی تأکید دارند. این دسته از رویکردها، چندبعدی هستند و به‌طور جدی بر فرایندهای علی و برهم‌کنشی اجتماعی و به‌ویژه بر نقش اساسی پویای اقتصادی- اجتماعی و روابط اجتماعی تمرکز دارند.

1. Utilitarian approach
2. Prudential Values
3. Human Development Approach
4. Capability Approach
5. Elements
6. Contributors
7. Living conditions

رویکردهای گوناگون ساختاری نیز در برخورد با کیفیت زندگی، عبارتند از: رویکرد دیالکتیک دموکراتیک،^۱ کیفیت فراگیر زندگی^۲ و کیفیت اجتماعی.

«رویکرد کیفیت اجتماعی در سال ۱۹۹۷ در بیانیه آمستردام، از سوی آکادمی‌های حوزه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق و اقتصاد مطرح گردید و به سرعت توسعه یافت» (Phillips, 2006: 176) و امروزه شاید به لحاظ تئوریک و عملیاتی، مهم‌ترین سازه کیفیت زندگی اجتماعی باشد. بهبود همبستگی اجتماعی و مبارزه با مطرودیت اجتماعی، حمایت از یک صورت‌بندی برابرطلبانه، کاهش نابرابری‌ها، هسته اصلی نگرش این رویکرد به کیفیت زندگی است. این رویکرد، معطوف به نوعی سیاست‌گذاری اجتماعی است که در راستای تحقق عدالت اجتماعی تلاش دارد و آن را می‌توان به‌عنوان یک بازنگری انسانی در مطلوبیت‌گرایی (از رویکرد عاملیتی) و ارزیابی کیفیت زندگی بر اساس درآمد و ثروت به شمار آورد که درون‌مایه اصلی آن، امکانات و توانایی‌های مالی و روابط اجتماعی است.

فیلیپس (Phillips, 2006) این رویکرد را به‌عنوان یک ابزار سیاست‌گذاری در راستای پیشبرد عدالت اجتماعی، یک سازه تئوریک واضح و کاربردی، جامع و منطقی می‌داند؛ سازه‌ای که کیفیت زندگی را تفسیر می‌کند. در این چارچوب، کیفیت زندگی، عبارت است از دامنه‌ای که شهروندان قادر به مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه‌شان، تحت شرایطی هستند که بهزیستی و توانایی بالقوه آنها بهبود می‌یابد.

«کیفیت اجتماعی که از سوی شهروندان تجربه می‌شود، مبتنی بر شرایط زیر است:

- ۱- درجه تأمین اجتماعی- اقتصادی؛
- ۲- دامنه ادغام (شمولیت) اجتماعی؛
- ۳- دوام و شدت همبستگی و انسجام اجتماعی بین نسل‌ها؛
- ۴- سطح خودمختاری و توانمندسازی شهروندان» (Noll, 2002: 62).

1. Democratic dialectic
2. Overarching Quality of life

شرح هر یک از شرایط فوق:

تأمین اجتماعی - اقتصادی: دامنه‌ای است که در آن، افراد از منابع کافی برخوردارند که این امر به دستاوردهای اقدامات حمایتی جامعه، نظام‌ها و مؤسسات اجتماعی به‌عنوان زمینه‌هایی برای اجرای فرایند خود-تحقق‌ی افراد بستگی دارد. به‌طور کلی، ابعاد تأمین اجتماعی - اقتصادی، عبارت است از: منابع مالی، مسکن و محیط‌زیست، بهداشت و مراقبت‌های درمانی، کار و آموزش.

ادغام اجتماعی: دامنه‌ای است که افراد قادرند به نهادها و روابط اجتماعی دسترسی داشته باشند. ادغام اجتماعی با اصول برابری و انصاف و علل ساختاری آنها، ارتباط دارد و دغدغه اصلی آن در واقع عنصر شهروندی است که در حوزه‌های حقوق شهروندی، بازار کار، خدمات خصوصی و عمومی و شبکه‌های اجتماعی مشارکت داوطلبانه دارد.

همبستگی اجتماعی: یک ویژگی است مبتنی بر هویت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک که از یک‌سو، با انسجام به‌عنوان پایه‌ای برای هویت‌های جمعی ارتباط دارد و از سوی دیگر، با فرایندی که شبکه‌های اجتماعی و زیرساخت‌های اجتماعی این شبکه‌ها را ایجاد و پشتیبانی می‌کند، در ارتباط است. همبستگی اجتماعی حوزه‌هایی همچون اعتماد، ارزش‌ها و هنجارهای همگانی، شبکه‌های اجتماعی و هویت را دربر می‌گیرد.

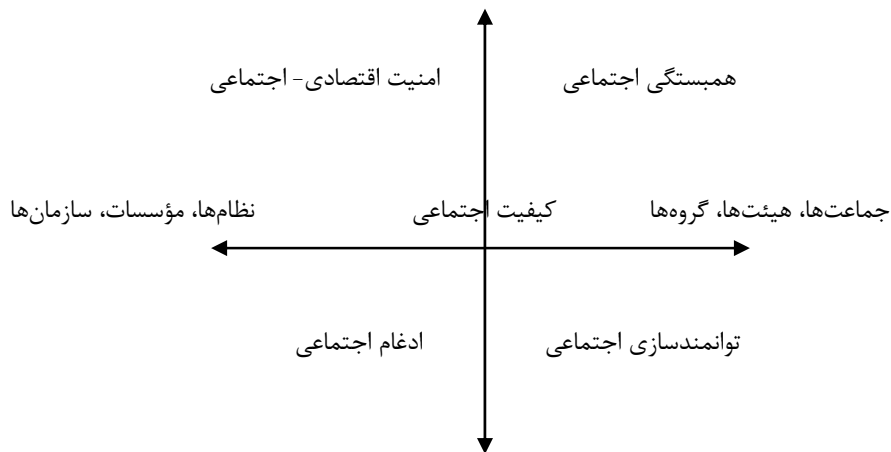
توانمندسازی اجتماعی: محدوده‌ای است که در آن، قابلیت‌های شخصی افراد و توانایی فعالیت آنها از طریق روابط اجتماعی ارتقاء می‌یابد. توانمندسازی اجتماعی در واقع، عبارت است از تحقق قابلیت‌ها و شایستگی‌های انسان در خصوص مشارکت کامل در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی.

به تعبیر فیلیپس (Phillips, 2006) عنصر تأمین اجتماعی - اقتصادی، به عدالت اجتماعی و توزیع منصفانه ثروت و ادغام اجتماعی، به بهبود حقوق شهروندی مربوط می‌شوند. همبستگی اجتماعی، به یک قرارداد اخلاقی متقابل و انسجام و توانمندسازی، به عدالت در فرصت‌ها و شانس‌های زندگی اشاره دارند.

یک جامعه با کیفیت بالا، جایی است که در آن، شهروندان باید به سطح قابل قبولی از تأمین اقتصادی و ادغام اجتماعی و زندگی در جماعات منسجم که به آنها امکان تحقق کامل توانایی‌هایشان را می‌دهد، دست یابند.

هرگاه عناصر چهارگانه کیفیت اجتماعی را بر روی دو محور عمود بر هم نشان دهیم، محور عمودی، نشانگر فاصله بین سطح خُرد (فردی) و کلان (ساختار اجتماعی) است. در یک سر محور افقی، مؤسسات و سازمان‌ها و در سر دیگر آن، جماعات و گروه‌ها جای دارند. از منظر دیگر، محور عمودی، به فرایندها و محور افقی، به کنشگران مربوط است و هرکدام از محورها، میان روابط متقابل فرد و جامعه پل می‌زند (شکل ۱).

فرایندهای مربوط به جامعه



فرایندهای زندگی شخصی

شکل ۱: عناصر چهارگانه کیفیت اجتماعی

بر اساس این مدل، کیفیت زندگی در دامنه‌ای که افراد با برخورداری از توان مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی‌شان، از طریق چهار عامل فوق، در رابطه‌ای دیالکتیکی با فرایندهای منجر به شکل‌گیری هویت جمعی کنش دارند، ارتقاء می‌یابد. در این رویکرد، بازیگران اجتماعی (گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها)، بر اساس مشارکت، تفاهم، عدالت اجتماعی و تأیید اجتماعی با یکدیگر کنش دارند.

رویکرد کیفیت اجتماعی نسبت به سایر رویکردها، واقع‌بینانه‌تر است و «حتی اگر ساختار آن را هم نادیده بگیریم، کنار هم آمدن امنیت اجتماعی - اقتصادی، ادغام اجتماعی، همبستگی اجتماعی و توانمندسازی، به‌عنوان مراحل در توانمند ساختن

شهروندان برای مشارکت، تحت شرایطی که منجر به ارتقاء سطح رفاه و توانایی فردی آنها می‌شود، نوعی اعتماد در رابطه با فهم عمومی از کیفیت زندگی را، هم برای افراد و هم برای جوامع به همراه خواهد داشت» (Phillips, 2006: 184). در مورد این رویکرد، نول (Noll, 2002) بر این باور است که مفهوم کیفیت اجتماعی می‌کوشد تا ایده‌های همبستگی اجتماعی، ادغام اجتماعی و توسعه انسانی را تحت سیاست‌های عمومی با یکدیگر ادغام کند.

۲-۲- شاخص‌های کیفیت زندگی

به نظر شارپ (Sharpe, 1999)، شاخص کیفیت زندگی باید ضمن برخورداری از یک هدف روشن اجرایی، بر مبنای نظریه محکم و متقنی پی‌ریزی شده باشد و به‌عنوان یک شاخص واحد ارائه شود و در عین حال، باید بتواند حوزه‌های متفاوت را تحت پوشش قرار دهد. همچنین، شاخص کیفیت زندگی باید ضمن داشتن اعتبار و روایی، دارای حساسیت بوده و طراحان سیاست‌های عمومی را برای ارزیابی و توسعه برنامه‌ها در سطح فردی، خانواده، اجتماعی، ملی و بین‌المللی کمک کند. مطابق نظر شارپ «حوزه‌های تحت پوشش شاخص کیفیت زندگی، باید تمام تجربیات زندگی را در بر گرفته و هر حوزه، باید قسمتی از ساختار کیفیت زندگی را به‌صورت بنیادی و ذاتی اما گسسته و مجرد، پوشش دهد. هر دو بعد عینی و ذهنی را اندازه‌گیری کرده و هر حوزه به‌عنوان بخشی از کیفیت زندگی عمومی با کیفیت زندگی همه مردم ارتباط داشته باشد و بالاخره در صورتی که یک حوزه خاص مورد نظر قرار گیرد، باید به ارتباط آن با حوزه‌های همگانی و عمومی توجه شود».

در این مقاله، با لحاظ کردن و در نظر داشتن ضوابط و ملاک‌های مطرح شده توسط شارپ، مؤلفه‌های عمده کیفیت زندگی و مؤلفه‌های فرعی آنها و نیز شاخص‌های عملیاتی هر یک که توسط صاحب‌نظران مبحث کیفیت زندگی مطرح شده‌اند، برای مطالعه و بررسی «ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی در برنامه‌های توسعه کشور» انتخاب شده‌اند. این مؤلفه‌ها شامل «امنیت اقتصادی- اجتماعی»، «همبستگی اجتماعی»، «ادغام اجتماعی»، «توانمندسازی اجتماعی» و نیز مؤلفه «تداوم‌پذیری» هستند که چهار مؤلفه اول از رویکرد «کیفیت اجتماعی» و مؤلفه آخر از رویکرد «کیفیت فراگیر زندگی» استخراج شده‌اند. هر دو رویکرد کیفیت

اجتماعی و کیفیت فراگیر زندگی، رویکردهای ساختاری هستند. طبق نظر شارپ، بررسی و مطالعه فراگیر از کیفیت زندگی می‌طلبد که این مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به آنها به صورت یکجا مورد توجه قرار گیرند.

شاخص‌های عملیاتی و مؤلفه‌های فرعی مؤلفه‌های اصلی معرفی شده در بالا که در این تحقیق از آنها استفاده شده است، عبارتند از:

۲-۲-۱- مؤلفه امنیت اقتصادی- اجتماعی: مؤلفه‌های فرعی و شاخص‌های عملیاتی آن

مؤلفه‌های فرعی این مؤلفه اصلی، «شغل و منابع مالی»، «مسکن و محیط اجتماعی» و «آموزش و بهداشت» هستند که به شاخص‌های عملیاتی هر یک از آنها ذیلاً اشاره شده است:

شغل و منابع مالی: «اهمیت به کفایت درآمدی مردم و توزیع عادلانه درآمدها»، «امنیت شغلی و تأمین اشتغال»، «کاهش (ریشه‌کنی) فقر»، «رفع تبعیض در اشتغال و حقوق زنان» و «تعادل کار و زندگی».

مسکن و محیط اجتماعی: «اهمیت دادن به خانه‌های مقاوم»، «اهمیت دادن به سرانه مترمربع برای اعضای خانوار»، «اهمیت دادن به امکانات اساسی: آب، تأسیسات بهداشتی و انرژی»، «اهمیت دادن به آلودگی آب، هوا و صوتی» و «دسترسی رایگان به مراکز مشاوره‌ای و حمایتی».

آموزش و بهداشت: «پوشش بیمه درمانی»، «اهمیت به وجود پزشک، تعداد بیمارستان و تجهیزات پزشکی»، «اهمیت دادن به خدمات مراقبتی»، «تأمین آموزش» و «کیفیت آموزش» (Keizer, & Maesen, 2003).
 عمده تأکید در این مؤلفه، بر ابعاد «داشتن» و «برخورداري» است.

۲-۲-۲- مؤلفه همبستگی اجتماعی: مؤلفه‌های فرعی و شاخص‌های عملیاتی آن
 مؤلفه‌های فرعی این مؤلفه اصلی، «اعتماد اجتماعی»، «هنجار، ارزش و هویت» و «شبکه‌های اجتماعی» هستند که به شاخص‌های عملیاتی هر یک از آنها ذیلاً اشاره شده است:

اعتماد اجتماعی: «دامنه اعتماد مردم به دولت، نمایندگان، احزاب سیاسی»، «دامنه اعتماد مردم به نیروهای انتظامی، رسانه‌ها، نهادهای مذهبی»، «دامنه اعتماد

مردم به سیستم خدمات اجتماعی، معاملات اقتصادی»، «وضعیت قضایی مرتبط با تعداد پرونده‌های ارجاع شده به دادگاه» و «اهمیت خانواده، اوقات فراغت، احترام متقابل والدین و فرزندان».

هنجار، ارزش و هویت: «نوع دوستی: فعالیت داوطلبانه»، «تحمل خود هویتی دیگران، اعتقادات، رفتار و سلیقه‌های متفاوت سبک زندگی»، «تمایل به پرداخت مالیات بیشتر، در صورت اطمینان از بهبود وضع فقرا»، «اهمیت به احساس غرور ملی» و «اهمیت به هویت‌های گروهی».

شبکه‌های اجتماعی: «عضویت در سازمان‌های سیاسی، خیریه، داوطلبانه یا باشگاه‌های ورزشی»، «حمایت دریافتی از خانواده، همسایگان و دوستان»، «میزان ملاقات منظم با همسایگان و دوستان»، «دریافت کمک غیرپولی از دوستان یا فامیل» و «مدت‌زمان ارتباط با بستگان، با ازدواج یا بدون آن» (Berman, & Philips, 2004). این مؤلفه بیشتر ابعاد ارتباطی را پوشش داده و سهم سازه سرمایه اجتماعی را به‌وضوح در کیفیت زندگی نشان می‌دهد.

۲-۲-۳- مؤلفه ادغام اجتماعی: مؤلفه‌های فرعی و شاخص‌های عملیاتی آن

مؤلفه‌های فرعی این مؤلفه اصلی، «حقوق شهروندی»، «خدمات» و «درجه باز بودن و ثمربخشی مؤسسات» هستند که به شاخص‌های عملیاتی هر یک از آنها ذیلاً اشاره شده است:

حقوق شهروندی: «اهمیت به حقوق اساسی و سیاسی»، «اهمیت به حق رأی در انتخابات محلی»، «اجازه تظاهرات و راهپیمایی»، «وجود مستمری سازمان‌یافته و تنظیم‌شده از سوی دولت برای ذی‌نفعان» و «نقش گروه‌های اقلیت قومی در انتخابات و انتصابات».

خدمات: «خدمات بهداشتی»، «دسترسی به سیستم حمل‌ونقل عمومی»، «امکانات ورزش همگانی»، «امکانات فرهنگی: سینما، تئاتر و کتابخانه» و «ارائه خدمات حمایتی، مراقبتی و بیمه‌ای».

درجه باز بودن و ثمربخشی مؤسسات: «وجود فرایندهای شورایی و دموکراسی مستقیم نظیر فراندوم»، «باز بودن سیستم اقتصادی»، «وجود مؤسسات و

سازمان‌های دارای شورای کار»، «آزادی به‌طور اعم» و «تشویق تغییرات فرهنگی، آموزشی و شغلی» (Walker, & Wigfield, 2003).

۲-۲-۴- مؤلفه توانمندسازی اجتماعی: مؤلفه‌های فرعی و شاخص‌های عملیاتی آن مؤلفه‌های فرعی این مؤلفه اصلی، «دانش‌محوری و بازار کار»، «حمایت از فعالیت‌های دسته‌جمعی» و «خدمات پشتیبانی فردی» هستند که به شاخص‌های عملیاتی هر یک از آنها ذیلاً اشاره شده است:

دانش‌محوری و بازار کار: «وجود تحرک اجتماعی مبتنی بر مدرک تحصیلی»، «دسترسی به رسانه‌های آزاد و اینترنت برای دسترسی به دانش»، «وجود نظارت بر قرارداد اشتغال»، «آموزش اشتغال‌محور» و «وجود طرح حمایت شغلی».

حمایت از فعالیت‌های دسته‌جمعی: «وجود بودجه ملی و محلی برای فعالیت‌های داوطلبانه و غیرانتفاعی شهروندی»، «اجازه یا توصیه شکل‌گیری گروه‌های فرهنگی خود سازمان یافته»، «تشویق همکوشی و یکپارچگی و انسجام»، «ارائه مسکن اجتماعی» و «برخوردار از مشاوره رایگان».

خدمات پشتیبانی فردی: «ارائه خدماتی که به استقلال شخصی و اجتماعی فرد کمک می‌کند»، «مراقبت از کودکان، پیش و پس از مدرسه»، «فرصت‌های برابر برای افراد ناتوان»، «تأمین سالمندان» و «تقویت روابط و پیوندها» (Herrmann, 2003).

۲-۲-۵- مؤلفه تداوم‌پذیری اجتماعی: مؤلفه‌های فرعی و شاخص‌های عملیاتی آن مؤلفه‌های فرعی این مؤلفه اصلی، «حفظ سرمایه انسانی و اجتماعی»، «حفظ سرمایه طبیعی و محیط‌زیست» و «حفظ سرمایه فیزیکی» هستند که به شاخص‌های عملیاتی هر یک از آنها، ذیلاً اشاره شده است:

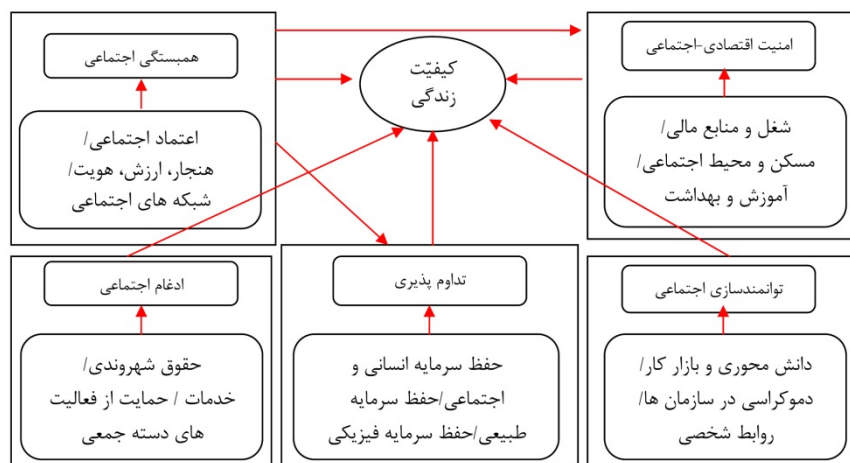
حفظ سرمایه انسانی و اجتماعی: «حفظ نیروی ماهر و کاردان»، «جذب و حفظ نخبگان»، «ترمیم شجاعت، پشتکار و وجدان کاری در افراد»، «ارتقاء آگاهی و شناخت جامعه» و «حفظ ارزش‌های فرهنگی».

حفظ سرمایه طبیعی و محیط‌زیست: «تشویق مصرف کارآمدتر انرژی و منابع»، «حمایت از فناوری‌های پاک و تحرک پایدار»، «افزایش سهم منابع تجدیدناپذیر»، «حفظ جنگل‌ها، مراتع و دریا» و «حفظ آب‌های زیرزمینی و آبخیزداری».

حفظ سرمایه فیزیکی: «حفظ ابنیه تاریخی و غیر تاریخی»، «حفظ صنایع مادر و به روز کردن کارخانه‌ها»، «تجدید تجدید بنای ساختمان‌ها اعم از مسکونی و دولتی»، «حفظ سطح درآمد ملی» و «حفظ راه‌ها و وسایل حمل و نقل عمومی» (Noll, 2004).

در شکل ۲، ارتباط بین مؤلفه‌های امنیت اقتصادی-اجتماعی، همبستگی اجتماعی و تداوم‌پذیری نشان داده شده است. امنیت اقتصادی-اجتماعی، بیشتر ناظر بر کیفیت زندگی فرد و همبستگی اجتماعی، ناظر بر کیفیت اجتماعی است. تداوم‌پذیری نیز از منظر توسعه پایدار، به‌عنوان مؤلفه اصلی در توزیع بین نسلی در نظر گرفته می‌شود. هر کدام از این مؤلفه‌ها، خود متشکل از عناصری هستند که در شکل مزبور به آنها اشاره شده است. هر سه مؤلفه، مستعد توجه در مقیاس‌های فردی و فرافردی هستند و این استعداد، به تولید رویکردهای عملیاتی و ساختاری و نیز نگاه ترکیبی‌ای چون ساختمانندی می‌انجامد (غفاری و امید، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

مدل نظری نهایی که برای بررسی کیفیت زندگی در برنامه‌های توسعه کشور در این مقاله استفاده می‌شود، در (شکل ۲) نمایش داده شده است.



شکل ۲: مدل نظری بررسی کیفیت زندگی در برنامه‌های توسعه کشور

۳- روش تحقیق

در این مقاله، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. واحد تحلیل، مفاهیم و مضامین موجود در متن برنامه‌های اول تا ششم توسعه کشور است. این مفاهیم و مضامین در قالب شاخص‌های عملیاتی معرفی شده در بخش‌ها در متن برنامه‌ها کدگذاری، شمارش و دسته‌بندی شده‌اند.

به منظور ارائه تعریفی روشن از روش تحلیل محتوی و آنگاه دلیل استفاده از این روش در مقاله حاضر، ذیلاً سه تعریف جداگانه از آن آورده می‌شود:

۱- تحلیل محتوا و رمزگذاری، به طور تبادل‌آمیزی برای ارجاع به توصیف عینی، منتظم و کمی رفتارهای نمادی طرح می‌شوند (کارت رایت، ۱۹۵۳: ۸).

۲- تحلیل محتوا، به معنای تحلیل علمی پیام‌های ارتباطی است که با وجود جامع بودن، از نظر ماهیت، نیازمند تحلیلی دقیق و منتظم است (بارکوس، ۱۹۵۹: ۸).

۳- تحلیل محتوا، مرحله‌ای از جمع‌آوری اطلاعات است که در آن محتوای ارتباطات از طریق به‌کارگیری عینی و منتظم قواعد مقوله‌بندی، به اطلاعاتی که می‌توانند خلاصه و باهم مقایسه شوند، تغییر شکل می‌یابد (پیسلی، ۲۰۰۱).

این نمونه منتخب از تعریف‌ها نشان می‌دهد که صاحب‌نظران، این روش را ابزار پژوهشی اساسی و مفیدی برای رشته‌های مختلف علمی و بسیاری از مسائل پژوهشی محسوب می‌کنند.

۳-۱- روش کار

۳-۱-۱- کدگذاری شاخص‌های عملیاتی

۳-۱-۲- مطالعه سطر به سطر برنامه‌های اول تا ششم توسعه کشور

۳-۱-۳- مطالعه دقیق برنامه‌های اول تا ششم توسعه کشور

۳-۱-۴- انتخاب عبارات و جملاتی از متون برنامه که حاوی مفاهیم «کیفیت زندگی» در قالب مؤلفه‌های اصلی و فرعی و یا شاخص‌های عملیاتی بوده‌اند (هر مفهوم یا مضمون استخراجی، یک واحد تحلیل گرفته شده است).

۳-۱-۵- بازخوانی مجدد متون، برای تشخیص و انتخاب «شاخص‌های عملیاتی» در آنها. این شاخص‌ها پس از تشخیص و انتخاب، با قلم قرمز علامت‌گذاری می‌شدند.

۳-۱-۶- طراحی شمارش مفاهیم و مضامین با نرم‌افزار EXCEL

۲-۳-جامعه و نمونه مورد بررسی

برنامه‌های توسعه اول تا ششم ایران که برای سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ نوشته شده‌اند، به طور دقیق مورد بررسی، شمارش و استخراج قرار گرفتند. در این تحقیق به علت تمام شماری، جامعه آماری و نمونه تحقیق بر هم منطبق‌اند.

۳-۳-پایایی و روایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات

۳-۳-۱- پایایی: پایایی ابزار حاضر، به شیوه کدگذاری مجدد توسط محقق در زمان‌های مختلف و همچنین توافق بین کدگذاران بوده‌است که در هر دو مورد، توافق بالایی وجود داشته‌است. بدین ترتیب که محقق برنامه‌های توسعه مورد بررسی را یک بار دیگر به طور کامل بازخوانی کرده و با کدگذاری مجدد، به نتایج مشابه دست پیدا کرد. همچنین تعدادی از احکام برنامه‌ها به عنوان نمونه به افراد صاحب نظر داده شد که نتایج کدگذاری آنها نیز با کدگذاری محقق فاصله چندانی نداشت.

۳-۳-۲- روایی: روایی ابزار حاضر، به شیوه روایی محتوایی بوده، بدین صورت که به تأیید متخصصان امر رسیده است.

۳-۳-۳- متغیرهای تحقیق: از نظریه‌های صاحب‌نظران «کیفیت زندگی» گرفته شده‌اند.

۳-۴- فنون مورد استفاده در تجزیه و تحلیل: با روش‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، درصد، نمودار فراوانی که در قالب جداول و نمودارها نشان داده شده‌اند، بررسی و گزارش‌های کمی ارائه گردید که محقق به تفسیر و نتیجه‌گیری و بالاخره پاسخ به پرسش‌های تحقیق پرداخته‌است.

۴- یافته‌های تحقیق

ماتریس (۱)، حاصل تحقیق انجام شده را در قالب تعداد مفاهیم یا مضامین ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی در هر یک از برنامه‌های اول تا ششم توسعه در خود جای داده است.

ماتریس ۱: حضور ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی در برنامه‌های توسعه کشور

برنامه بُعد	امنیت اقتصادی اجتماعی	همبستگی اجتماعی	ادغام اجتماعی	توانمندسازی اجتماعی	تداوم‌پذیری اجتماعی	جمع
اول	۱۰۷	۴۴	۴۴	۶۷	۴۶	۳۰۸
دوم	۸۲	۱۹	۴۴	۳۳	۵۳	۲۳۱
سوم	۱۷۱	۶۸	۱۵۴	۱۳۱	۱۰۷	۶۳۱
چهارم	۱۶۰	۱۱۶	۱۶۶	۱۸۷	۱۳۶	۷۶۵
پنجم	۱۲۱	۷۸	۱۵۴	۱۶۳	۱۴۰	۶۵۶
ششم	۱۸۰	۹۷	۱۵۹	۱۱۶	۱۰۴	۶۵۶
جمع	۸۲۱	۴۲۲	۷۲۱	۶۹۷	۵۸۶	۳۲۴۷

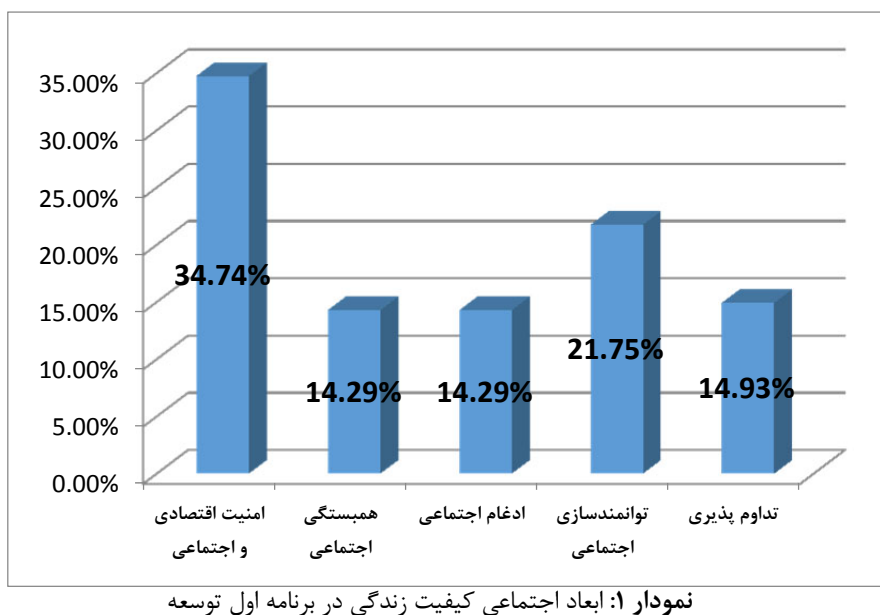
ستون‌های ماتریس، برنامه‌های توسعه را از نظر در بر داشتن هر یک از ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی نشان می‌دهند. ستون جمع، حضور شاخص کل کیفیت زندگی (مجموع ابعاد) را در هر یک از برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد. با تقسیم ارقام مربوط به هر برنامه در ابعاد پنج‌گانه، به جمع همه آنها، درصد حضور هر یک از ابعاد در برنامه‌ها به دست می‌آید که در ماتریس (۲) نشان داده شده است.

ماتریس ۲: محاسبه درصد حضور ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی در برنامه‌های توسعه کشور

برنامه بُعد	امنیت اقتصادی اجتماعی (درصد)	همبستگی اجتماعی (درصد)	ادغام اجتماعی (درصد)	توانمندسازی اجتماعی (درصد)	تداوم‌پذیری اجتماعی (درصد)	جمع (درصد)
اول	۳۴,۷۴	۱۴,۲۹	۱۴,۲۹	۲۱,۷۵	۱۴,۹۳	۱۰۰
دوم	۳۵,۵۱	۸,۲۴	۱۹,۰۱	۱۴,۲۹	۲۲,۹۵	۱۰۰
سوم	۲۷,۱۰	۱۰,۷۷	۲۴,۴۰	۲۰,۷۷	۱۶,۹۶	۱۰۰
چهارم	۲۰,۹۲	۱۵,۱۶	۲۱,۷۰	۲۴,۴۴	۱۷,۷۸	۱۰۰
پنجم	۱۸,۴۴	۱۱,۸۹	۲۳,۴۸	۲۴,۸۵	۲۱,۳۴	۱۰۰
ششم	۲۷,۴۴	۱۴,۷۹	۲۴,۲۴	۱۷,۶۸	۱۵,۸۵	۱۰۰

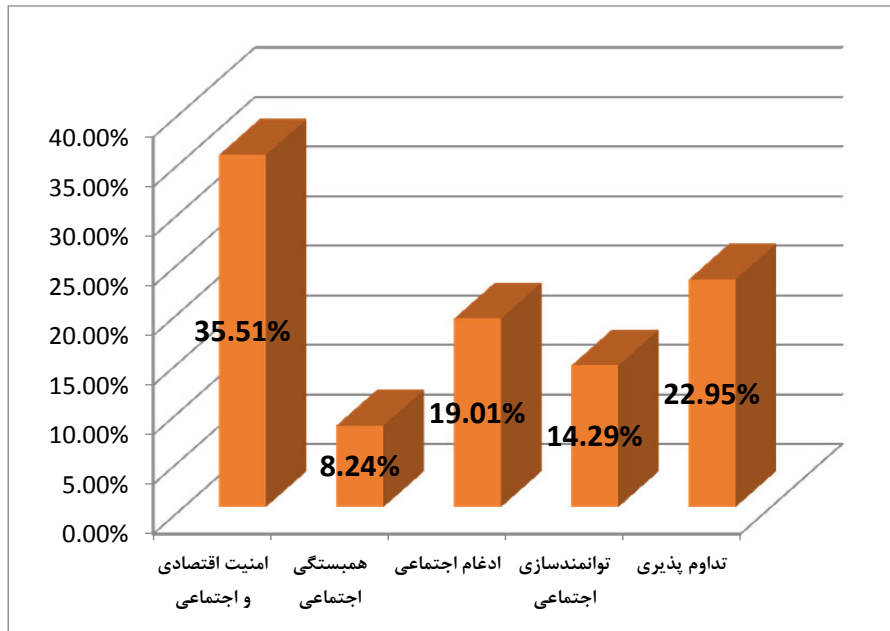
درصد‌های به دست آمده در ماتریس (۲)، روی نمودارهای ۱ تا ۵ نشان داده شده‌اند.

۴-۱- مقایسه ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی در هر یک از برنامه‌های توسعه:
 ۴-۱-۱- نمودار ۱ از سطر اول ماتریس ۱ استخراج شده است.



- ۱- تحلیل نمودار ۱: شاخص کل کیفیت زندگی در برنامه اول، (۳۰۸) است.
- ۲- بعد امنیت اقتصادی و اجتماعی: با در برداشتن ۳۴/۷۴ درصد از مفاهیم یا مضامین کیفیت زندگی، بیشترین توجه را در برنامه اول به خود اختصاص داده است.
- ۳- ابعاد همبستگی اجتماعی و ادغام اجتماعی: با در برداشتن ۱۴/۲۹ درصد از مفاهیم یا مضامین، همزمان در پایین ترین موقعیت جدول قرار دارند.
- ۴- بعد توانمندسازی اجتماعی: با داشتن ۲۱/۷۵ درصد از مفاهیم یا مضامین، در حالت متوسطی قرار دارد.
- ۵- بعد تداوم پذیری: با اختصاص ۱۴/۹۳ درصد از مفاهیم یا مضامین به خود، در مکان متوسط به پایین قرار دارد.

۴-۱-۲- نمودار ۲ از سطر دوم ماتریس ۱ استخراج شده است.

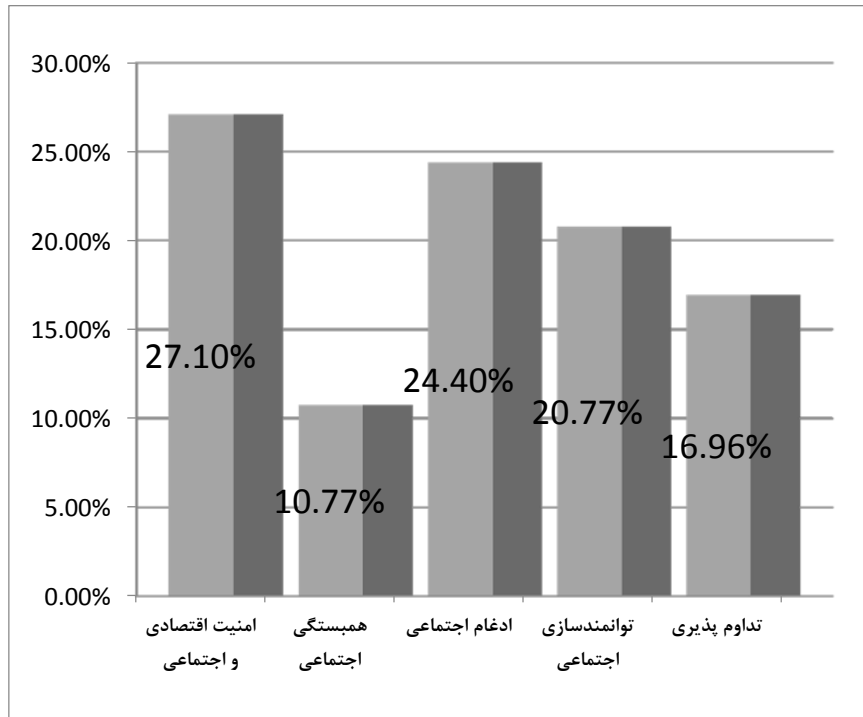


نمودار ۲: ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی در برنامه دوم توسعه

تحلیل نمودار ۲: شاخص کل کیفیت زندگی در برنامه دوم، (۲۳۱) است.

- ۱- بعد امنیت اقتصادی و اجتماعی: با دربرداشتن ۳۵/۵۱ درصد از مفاهیم یا مضامین کیفیت زندگی، بیشترین توجه را در برنامه دوم به خود اختصاص داده است.
- ۲- بعد همبستگی اجتماعی: با دربرداشتن ۸/۲۴ درصد از مفاهیم یا مضامین، در پایین‌ترین موقعیت جدول قرار دارد.
- ۳- بعد ادغام اجتماعی: با داشتن ۱۹/۰۱ درصد از مفاهیم یا مضامین، در مکان متوسط به پایین قرار دارد.
- ۴- بعد توانمندسازی اجتماعی: با داشتن ۱۴/۲۹ درصد از مفاهیم یا مضامین، بین کمترین مقدار و متوسط به پایین جای گرفته است.
- ۵- بعد تداوم‌پذیری: با دربرداشتن ۲۲/۹۵ درصد از مفاهیم یا مضامین، در حالت متوسط به بالا قرار دارد.

۴-۱-۳- نمودار ۳ از سطر سوم ماتریس (۱) استخراج شده است.



نمودار ۳: ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی در برنامه سوم توسعه

تحلیل نمودار ۳: شاخص کل کیفیت زندگی در برنامه سوم، (۶۳۱) است.

۱- بعد امنیت اقتصادی و اجتماعی: با دربرداشتن ۲۷/۱۰ درصد از مفاهیم یا مضامین کیفیت زندگی، بیشترین توجه را در برنامه سوم به خود اختصاص داده است.

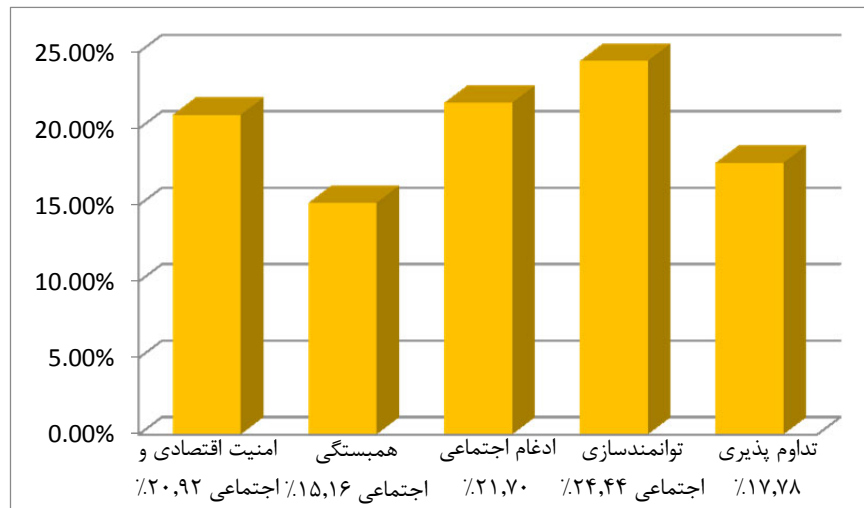
۲- بعد همبستگی اجتماعی: با دربرداشتن ۱۰/۷۷ درصد از مفاهیم یا مضامین، در پایین ترین موقعیت جدول قرار دارد.

۳- بعد ادغام اجتماعی: با داشتن ۲۴/۴۰ درصد از مفاهیم یا مضامین، در رتبه بالایی پس از بعد امنیت اقتصادی و اجتماعی قرار دارد.

۴- بعد توانمندسازی اجتماعی: با داشتن ۲۰/۷۷ درصد از مفاهیم یا مضامین، در جایگاه متوسط به بالا قرار گرفته است.

۵- بعد تداوم‌پذیری: با دربرداشتن ۱۶/۹۶ درصد از مفاهیم یا مضامین، در حالت متوسط به پایین قرار دارد.

۴-۱-۴- نمودار ۴ از سطر چهارم ماتریس (۱) استخراج شده است.



تحلیل نمودار ۴: شاخص کل کیفیت زندگی در برنامه چهارم، (۷۶۵) است.

۱- بعد امنیت اقتصادی و اجتماعی: با دربرداشتن ۲۰/۹۲ درصد از مفاهیم یا مضامین کیفیت زندگی، در رتبه سوم پس از ادغام اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی قرار دارد.

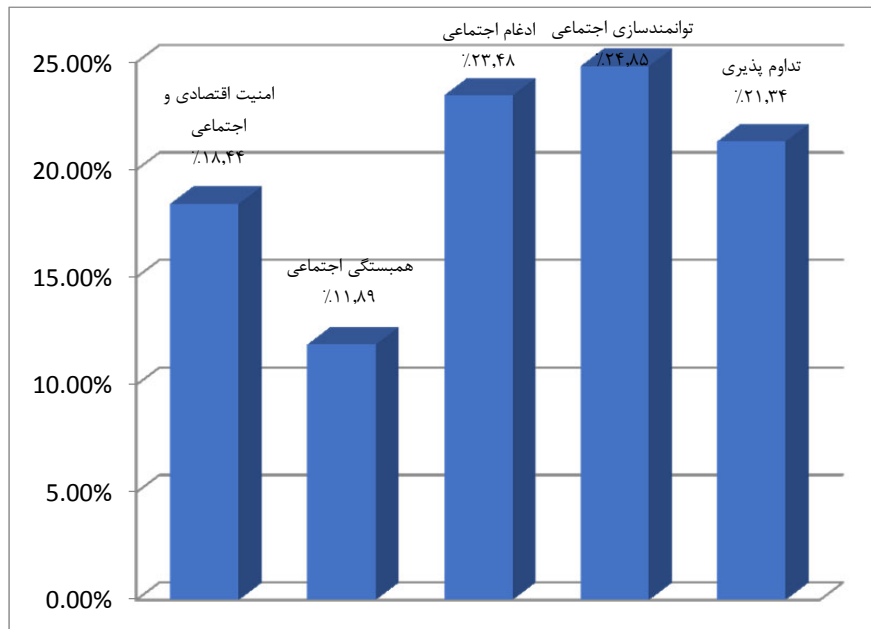
۲- بعد همبستگی اجتماعی: با دربرداشتن ۱۵/۱۶ درصد از مفاهیم یا مضامین، در پایین‌ترین موقعیت جدول قرار دارد.

۳- بعد ادغام اجتماعی: با داشتن ۲۱/۷۰ درصد از مفاهیم یا مضامین، در رتبه دوم پس از بعد توانمندسازی اجتماعی قرار دارد.

۴- بعد توانمندسازی اجتماعی: با داشتن ۲۴/۴۴ درصد از مفاهیم یا مضامین کیفیت زندگی، بیشترین توجه را در برنامه چهارم به خود اختصاص داده است.

۵- بعد تداوم‌پذیری: با دربرداشتن ۱۷/۷۸ درصد از مفاهیم یا مضامین، در رتبه بالاتری نسبت به همبستگی اجتماعی قرار دارد.

۴-۱-۵- نمودار ۵ از سطر پنجم ماتریس (۱) استخراج شده است.



نمودار ۵. ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی در برنامه پنجم توسعه

تحلیل نمودار ۵: شاخص کل کیفیت زندگی در برنامه پنجم، (۶۵۶) است.

۱- بعد امنیت اقتصادی و اجتماعی، با دربرداشتن ۱۸/۴۴ درصد از مفاهیم یا مضامین کیفیت زندگی، در رتبه چهارم پس از بعد تداوم‌پذیری اجتماعی قرار دارد.

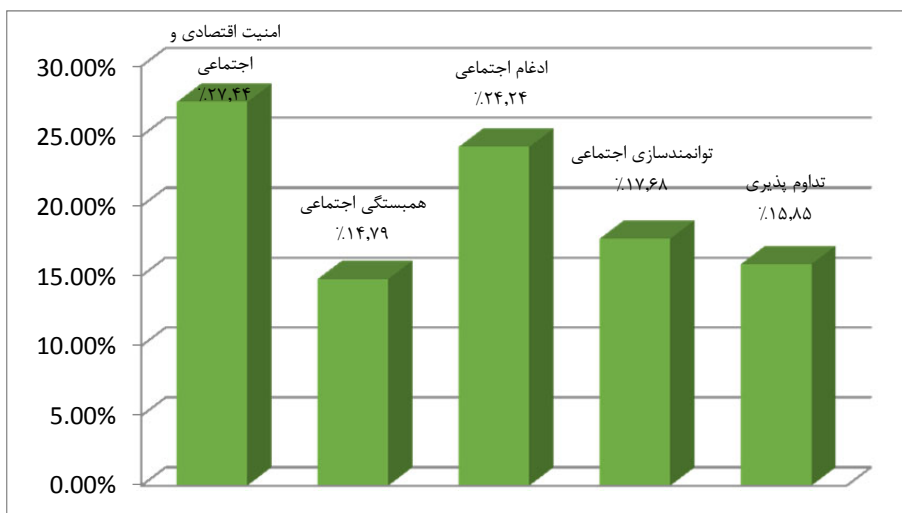
۲- بعد همبستگی اجتماعی، با دربرداشتن ۱۱/۸۹ درصد از مفاهیم یا مضامین، در پایین‌ترین موقعیت جدول قرار دارد.

۳- بعد ادغام اجتماعی، با داشتن ۲۳/۴۸ درصد از مفاهیم یا مضامین، در رتبه دوم پس از بعد توانمندسازی اجتماعی قرار دارد.

۴- بعد توانمندسازی اجتماعی، با داشتن ۲۴/۸۵ درصد از مفاهیم یا مضامین کیفیت زندگی، بیشترین توجه را در برنامه پنجم به خود اختصاص داده است.

۵- بعد تداوم‌پذیری، با دربرداشتن ۲۱/۳۴ درصد از مفاهیم یا مضامین، در رتبه بالاتری نسبت به بعد امنیت اقتصادی و اجتماعی قرار دارد.

۴-۱-۶- نمودار ۶ از سطر ششم ماتریس (۱) استخراج شده است.



نمودار ۶: ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی در برنامه ششم توسعه

تحلیل نمودار ۶: شاخص کل کیفیت زندگی در برنامه ششم، (۶۵۶) است.

۱- بعد امنیت اقتصادی و اجتماعی: با در برداشتن ۲۷/۴۴ درصد از مفاهیم یا مضامین کیفیت زندگی، بیشترین توجه را در برنامه ششم به خود اختصاص داده است.

۲- بعد همبستگی اجتماعی: با در برداشتن ۱۴/۷۹ درصد از مفاهیم یا مضامین، در پایین ترین موقعیت جدول قرار دارد.

۳- بعد ادغام اجتماعی: با داشتن ۲۴/۲۴ درصد از مفاهیم یا مضامین، در رتبه دوم پس از بعد امنیت اقتصادی و اجتماعی قرار دارد.

۴- بعد توانمندسازی اجتماعی: با داشتن ۱۷/۶۸ درصد از مفاهیم یا مضامین کیفیت زندگی، در مرتبه بالاتری از بعد تداوم پذیری قرار دارد.

۵- بعد تداوم پذیری: با در برداشتن ۱۵/۱۵ درصد از مفاهیم یا مضامین، در رتبه بالاتری نسبت به بعد همبستگی اجتماعی قرار دارد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در برنامه اول توسعه، بعد امنیت اقتصادی-اجتماعی، بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است. نگاهی به شاخص‌های عملیاتی مربوط به این بعد در مطالعه انجام شده، نشان می‌دهد که در برنامه اول توسعه، تأمین اشتغال، کاهش فقر و نیز تأمین آموزش، مورد توجه جدی قرار گرفته‌اند. تأمین آموزش با نیت بازسازی نیروی انسانی مورد نیاز جامعه پس از جنگ و تأمین اشتغال و کاهش فقر به‌منظور تأمین کوتاه‌مدت رفاه نسبی جامعه و قشر محروم که تازه اوضاع جنگ را پشت سر گذاشته بود، صورت گرفته است. در چنین اوضاعی، طبیعی است که بعد توانمندسازی اجتماعی نیز تا حدودی مورد توجه باشد، اما ابعادی مانند همبستگی اجتماعی و ادغام اجتماعی و نیز تداوم‌پذیری که مفاهیم جامعه مدنی و زیست‌محیطی را در بردارند، کمتر مورد توجه قرار گیرند.

در برنامه دوم توسعه نیز، بعد امنیت اقتصادی-اجتماعی بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است. نگاهی به شاخص‌های عملیاتی مربوط به این بعد در مطالعه انجام شده، نشان می‌دهد که در برنامه دوم توسعه، به تأمین اشتغال، کاهش فقر، اهمیت دادن به امکانات اساسی نظیر آب، تأسیسات بهداشتی و انرژی و اهمیت دادن به آلودگی آب و هوا و دست آخر، تأمین آموزش، توجه بیشتری شده است. می‌توان استدلال کرد که از اهداف کلان این برنامه، تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی با خط‌مشی‌های تأمین بهداشت عمومی، توجه به مناطق محروم با اولویت اشتغال و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نیازمند بوده است. از آنجا که پس از اجرای برنامه اول، به دلیل شکست سیاست‌های تعدیل اقتصادی و آزادسازی قیمت‌ها و بحران بدهی‌ها، در برنامه دوم ناچار به اجرای سیاست‌های تثبیت اقتصادی روی آوردند، لذا در این برنامه هم بعد امنیت اقتصادی-اجتماعی، دارای فراوانی بیشتری است و بازهم سایر ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی در این برنامه، دستخوش سیاست مذکور شده‌اند.

در برنامه سوم توسعه نیز بعد امنیت اقتصادی-اجتماعی بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است؛ اما به‌موازات آن، ابعاد ادغام اجتماعی و نیز توانمندسازی اجتماعی و آنگاه تداوم‌پذیری اجتماعی مورد توجه بوده‌اند. نگاهی به شاخص‌های عملیاتی مربوط به هر یک از این ابعاد، موضوع را روشن‌تر خواهد کرد. شاخص‌های

عملیاتی که در بالا بودن آماره بعد امنیت اقتصادی-اجتماعی مؤثر بوده‌اند، عبارتند از: تأمین اشتغال، اهمیت دادن به امکانات اساسی نظیر آب، تأسیسات بهداشتی و انرژی، پوشش بیمه درمانی، تأمین آموزش و بالاخره اهمیت دادن به آلودگی آب و هوا. در مورد بعد ادغام اجتماعی نیز ارائه خدمات به افراد نیازمند به مراقبت اجتماعی و باز بودن سیستم اقتصادی و در مورد بعد توانمندسازی اجتماعی، عامل تشویق، همکوشی و یکپارچگی و انسجام به معنای تأکید بر تعاون و همکاری و همیاری مؤثر بوده است.

می‌توان استدلال کرد که در این برنامه به طور جدی، سیاست تعدیل و اصلاح ساختاری را در پیش گرفته شد (که در عمل هم موفق بود). تأکید این برنامه بر تنظیم نظام تأمین اجتماعی و توزیع هدفمند یارانه‌ها و سرمایه‌گذاری و اشتغال بوده است. در این دوره با رویکرد ایجاد جامعه مدنی، رهنمودهایی مانند ارتقاء فرهنگ مشارکت عمومی با تأکید بر اصل حقوق شهروندی و مسؤولیت اجتماعی، نهادینه کردن آزادی‌ها و حقوق تصریح شده در قانون اساسی، گسترش مشارکت مردم و اعمال نظارت عمومی بر امور مختلف کشور از طریق گسترش نهادهای مدنی در قالب احزاب، گروه‌ها، تشکل‌های صنفی و تخصصی و مانند آن، به ادبیات برنامه‌ریزی وارد شد.

در برنامه چهارم توسعه برخلاف سه برنامه گذشته، بعد امنیت اقتصادی-اجتماعی جایگاه اول خود را در رتبه‌بندی ابعاد اجتماعی کیفیت زندگی از دست می‌دهد. این بار مقام اول در این درجه‌بندی، از آن بعد توانمندسازی اجتماعی است و بعد امنیت اقتصادی-اجتماعی در جایگاه سوم پس از بعد ادغام اجتماعی قرار دارد. البته بعد تداوم‌پذیری و بعد همبستگی اجتماعی هم از جایگاه خوبی نسبت به برنامه‌های پیشین برخوردارند (و همین علل است که شاخص کل کیفیت زندگی را در این برنامه نسبت به سایر برنامه‌های توسعه قبل و بعد از آن بالا برده است).

نگاهی به شاخص‌های عملیاتی مربوط به هر یک از این ابعاد، موضوع را بهتر تبیین خواهد کرد. شاخص‌های عملیاتی که در بالا بودن آماره بعد توانمندسازی اجتماعی مؤثر بوده‌اند، عبارتند از: آموزش اشتغال‌محور، تشویق همکوشی و یکپارچگی و انسجام و ارائه خدماتی که به استقلال شخصی و اجتماعی فرد کمک

می‌کند. در مورد بعد ادغام اجتماعی نیز امکانات ورزش همگانی، ارائه خدمات به افراد نیازمند به مراقبت اجتماعی و باز بودن سیستم اقتصادی مؤثر بوده است. می‌توان استدلال کرد که چالش‌های بزرگی که کشور از ناحیه جهانی شدن و آزادسازی و توسعه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات با آن روبرو بود، باعث شد تا تحولات در فضای عمومی کشور و فضای بین‌الملل، همراه با تغییر ذائقه نسل جدید، بعد ادغام اجتماعی را جان تازه‌ای بخشد. گذر از تکلیف به حق و مطرح شدن بیش از پیش حقوق شهروندی در دنیا و به تبع آن، توسعه کسب و کار الکترونیک، رقابت در ارائه سرویس به شهروندان، موجب افزایش و استمرار رشد این شاخص در برنامه‌ها شد. لذا همپای ادبیات جهانی، برنامه‌ریزان توسعه در ایران، سعی کردند در مقولاتی مانند حقوق شهروندی و فعالیت‌های گروهی و دسته‌جمعی وارد شوند. افزایش نقش نهادهای مدنی را در این دوره، می‌توان دلیل بالا بودن نقش مؤلفه ادغام اجتماعی در برنامه چهارم دانست.

برنامه‌ریزان برنامه چهارم، معتقد بودند که دیگر منابع نفتی نمی‌تواند رشدهای قابل توجه را ایجاد کند، لذا رویکرد دانش‌بنیان کردن اقتصاد را مطرح کردند. بدین معنی که سهم مواد خام در صادرات کشور کاهش یابد و از مواد اولیه و خام، ارزش افزوده ایجاد شده و محصولات با ارزش افزوده بالا صادر شوند؛ و این امکان‌پذیر نبود مگر با ترکیب دانش بالای ناشی از آموزش اشتغال‌محور، با مواد خام مستخرجه از زمین، ایجاد وحدت و همدلی از طریق تعاونی‌ها و بخش خصوصی و کمک به مستقل شدن افراد و توانمند ساختن آنان برای حل مسائل و مشکلات جمعی. این‌ها نکاتی بودند که بیشتر در برنامه چهارم مطرح شدند.

در برنامه پنجم توسعه، بعد امنیت اقتصادی و اجتماعی بازهم روند عقب‌نشینی خود را طی می‌کند و این بار در رتبه چهارم، پس از بعد تداوم‌پذیری جای می‌گیرد. توانمندسازی و سپس ادغام اجتماعی و آنگاه تداوم‌پذیری، از موقعیت خوب و پایداری برخوردارند. وضعیت با اندکی تفاوت، شباهت کاملی با برنامه چهارم دارد. می‌توان استدلال کرد که در برنامه پنجم توسعه، اگرچه شرایط به‌گونه‌ای رقم خورد که به محتویات و جهت‌گیری‌های برنامه چهارم اعتنایی نشود، ولی بیشتر از لحاظ تأثیرپذیری، کارشناسان برنامه و دست‌اندرکاران ذی‌ربط از همان عبارت‌ها بهره

بردند، لذا برنامه چهارم و پنجم تا حدود زیادی شباهت محتوایی دارند، اما از نظر جهت‌گیری‌ها متفاوتند.

در برنامه پنجم، این رویکرد مورد توجه قرار گرفت که نگاه به توسعه و دیدگاه‌های تجربه شده در غرب و کشورهای دیگر را تغییر یا مورد نقد قرار دهد. این موضوع، میان سیاستگذاران چالش جدی ایجاد کرد؛ تا آنکه در نهایت چون چاره‌ای یافت نشد راه گذشته در پیش گرفته شد و عملاً در همان چارچوب‌های پیشین، اقدام به تهیه برنامه شد. به علاوه، جدای از احکام مربوط به بخش‌های مادی و اقتصادی، در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی که عموماً در ارتباط تنگاتنگ با سبک و کیفیت زندگی قرار داشتند، هیچ‌گونه توجهی به جنبه‌های سیاستگذاری آنها نشد و عملاً به صورت تبلیغاتی، به ذکر این‌گونه واژگان اکتفا شد.

در برنامه ششم توسعه، بعد امنیت اقتصادی و اجتماعی به جایگاه خود در برنامه‌های اول تا سوم بازمی‌گردد و نه تنها در این برنامه، گوی سبقت را از سایر ابعاد می‌رباید، بلکه در مقایسه همین بعد در برنامه‌های اول تا ششم، بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است (ر.ک: ستون اول از ماتریس ۱)؛ و بازم بعد ادغام اجتماعی همانند برنامه پنجم در جایگاه دوم می‌ایستد. شاخص‌های عملیاتی که در بالا بودن آماره بعد امنیت اجتماعی و اقتصادی مؤثر بوده‌اند، عبارتند از: امنیت شغلی و تأمین اشتغال، اهمیت دادن به خانه‌های مقاوم، اهمیت دادن به امکانات اساسی مانند آب، تأسیسات بهداشتی و انرژی، پوشش بیمه درمانی و تأمین آموزش. در مورد بعد ادغام اجتماعی نیز دسترسی به سیستم حمل و نقل عمومی، ارائه خدمات به افراد نیازمند به مراقبت اجتماعی (خدمات حمایتی، مراقبتی و بیمه‌ای)، باز بودن سیستم اقتصادی و بالاخره تشویق تغییرات فرهنگی، آموزشی و شغلی مؤثر بوده‌اند.

می‌توان استدلال کرد که برنامه ششم توسعه بر اساس نیازهای جدید اقتصادی و اجتماعی پی‌ریزی شد که بدین ترتیب، بعد امنیت اجتماعی و اقتصادی را دارای بیشترین مقدار خود در طول شش برنامه کرد. محورها و جهت‌گیری‌های اساسی برنامه ششم توسعه را می‌توان تحقق خواست عامه مردم در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برگرفته از ارزش‌های حاکم بر جامعه برشمرد. بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی تمام مردم از طریق فرایندهای مناسب رشد اقتصادی، ایجاد

شرایط مناسب برای رشد عزت نفس مردم، گسترش نهادهای مناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منظور ارتقاء شأن و رشد کرامت انسانی، افزایش دامنه انتخاب‌های انسانی، از اهداف پایه‌ای برنامه ششم توسعه تعیین شده‌اند. همچنین، بهبود شاخص‌های توسعه انسانی و مشارکت همگانی در حوزه‌های مختلف، رکن اصلی این فرآیند است (گزارش عملکرد قانون برنامه ششم توسعه در سال ۱۳۹۶: مقدمه).

منابع

- غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی. تهران: آگرا و لویه.
- غفاری، غلامرضا و رضا امیدی (۱۳۹۰). کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی. تهران: شیرازه.
- Abbotte, L. Ferriss (2010). Approaches to Improving the Quality of Life.
- Alexander, V. Anakov (2008). Quality of Life, Balance of Power and Nuclear Weapons.
- Berman, Y. & Philips, D. (2004). Indicators for social cohesion. Fifth draft, working paper, Amsterdam, EFSQ.
- Gabriele, Doblhammer & Rembrandt Scholz (2010). Aging, Care Need and Quality of Life.
- Herrmann, R. (2003). Discussion paper on the domain empowerment. Third draft, Amsterdam, ENIQ.
- Keizer, M. & Vander Maesen, L. J. G. (2003). Social quality and the component of socio-economic security. Third draft, working paper, Amsterdam, ENIQ.
- Kent, T. (1997). *In Pursuit of the Public Good*. Montreal: McGill Queen's.
- Miles, I. (1985). *Social Indicators for Human Development*. London: Frances pinter.
- Noll, H. (2002). Towards a European system of social indicators: Theoretical framework and system architecture. *Social Indicators Research*, Vol. 58: 47-87.
- Noll, H. (2004). Social indicators and indicator dystems: Tools for social monitoring and reporting, presented in OECD World Forum «statistics, knowledge and policy», Palermo, 10-13 November.
- Phillips, D. (2006). *Quality of Life; Concept, Policy and Practice*. London: Routledge.
- Ralph, Kober (2010). Enhancing the Quality of Life of people with Intellectual Disabilities
- Sharpe, Andrew (1999). A survey of indicators of economic and social well-being, CSLS, Canada.
- Valery, Moller; Denis Huschka & Alex C. Michalos (2008). Barometers of Quality of Life around the Globe.
- Valery, Moller; Denis Huschka & Alex C. Michalos (2009). Quality of Life and Millennium Challenge.
- Walker, A. & Wigfield, A. (2003). The social Inclusion component of social quality, Amsterdam, EFSQ.